

بررسی نقش مستقل و همزمان تعارض والدین و خلق کودک در پیش بینی رفتار نوع دوستی کودک فاطمه قره باغی^۱

دانشجوی دکترای روانشناسی سلامت، دانشگاه تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

دکتر ماریا آگیلار- وفایی

استاد علوم بوم شناختی انسان و عضو هیات علمی گروه روانشناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران

دکتر عباسعلی الهیاری

استاد و عضو هیات علمی گروه روانشناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران

دکتر هادی بهرامی احسان

دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

پذیرش مقاله: ۹۱/۳/۱۲

دریافت مقاله: ۹۰/۱۱/۶

چکیده

مقدمه: با توجه به اهمیت عوامل سرشتی و خانوادگی در رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان، هدف از اجرای این پژوهش بررسی نقش همزمان دو عامل خلق کودک و تعارض والدین در رفتار نوع‌دوستی کودکان است.

روش: ۴۱۳ کودک ۱۰ تا ۱۲ ساله شهر تهران به روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. مادران به پرسشنامه‌های تعارض زناشویی، خلق و رفتار نوع‌دوستی کودک و معلمان نیز به پرسشنامه رفتار نوع‌دوستی فرم معلمان پاسخ دادند.

یافته‌ها: نتایج تحلیل رگرسیون تایید کننده نقش پیش‌بینی کننده تعارض والدین، خلق مثبت و منفی، توانایی کنترل و جامعه‌پذیری منفی کودک در رفتار نوع‌دوستی کودک هستند. همچنین تحلیل رگرسیون چند متغیری به صورت سلسله‌مراتبی نقش واسطه‌ای خلق مثبت کودک در رابطه تعارض والدین با رفتار نوع‌دوستی کودک و نقش تعاملی تعارض والدین با خلق منفی و مردم‌آمیزی منفی در پیش‌بینی رفتار نوع‌دوستی کودک را تایید می‌کند. علاوه بر این، توانایی کنترل کودک می‌تواند اثر منفی تعارض والدین بر رفتار نوع‌دوستی را تعدیل کند.

^۱ آدرس نویسنده مسئول: دانشجوی دکترای روانشناسی سلامت، دانشگاه تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

نتیجه گیری: تحقیق حاضر نشان داد کودکانی که خلق منفی بالا و مردم آمیزی کمی دارند در خطر آسیب مهارت‌های اجتماعی در بافت تعارض والدین هستند، ولی کودکانی که از خلق مثبت و توانایی کنترل بالا برخوردارند رشد رفتار نوع دوستی در آنها کمتر توسط تعارض والدین آسیب می‌بیند.

کلید واژه‌ها: نوع دوستی، تعارض والدین، خلق کودک

مقدمه

در مفاهیم متعددی که از مهارت‌های اجتماعی کودکان وجود دارد رفتار نوعدوستی^۱ به عنوان رفتاری که به دیگران فایده می‌رساند بدون آن که انتظار پاداشی داشته باشد و گرایش کودک به همدلی، همکاری و ایثار برای همسالانش و رفتارهایی همچون کمک کردن، توجه نشان دادن و نگران بودن، مهربانی، نگرانی برای اصول اخلاقی و درک احساسات دیگران تعریف شده است (گودمن^۲، ۲۰۰۰). رفتار نوعدوستی عبارت است از: "رفتارهایی که پاسخی مثبت به رفاه و نیازهای دیگران هستند و هدف آن‌ها کمک به دیگران است مثل کمک کردن، سهمیم شدن، محبت کردن، توجه نشان دادن، همکاری کردن، حمایت کردن، نجات دادن دیگران از خطر و احساس همدلی و همدردی کردن با دیگران" (رادک-یارو^۳ و زان-واکسلر^۴، ۱۹۸۶). همدلی یا درک وضعیت شناختی و عاطفی دیگران توسط کودکان، یکی از نشانه‌های اولیه رفتارهای نوعدوستی در آینده است. رشد همدلی^۵ منجر به شکل‌گیری همدردی^۶ و دلسوزی با دیگران در کودک می‌شود. شکل‌های اولیه رفتار نوعدوستی در دو سال اول زندگی آشکار می‌شود و شواهد مربوط به آن در فرهنگ‌های مختلف بررسی شده است (هی^۷ و کوک^۸، ۲۰۰۷). به عقیده کاسپی^۹، رابرتز^{۱۰} و شاینر^{۱۱} (۲۰۰۵) رفتار نوعدوستی حاصل خودتنظیمی^{۱۲} و خودکنترلی^{۱۳} یعنی سازه‌های صفت شخصیتی وظیفه‌شناسی^{۱۴} است و تحقیق نشان داده است که خوشایندی^{۱۵} و وظیفه‌شناسی رابطه مثبتی با رفتار نوعدوستی در طول نوجوانی دارند (شاینر، ۲۰۰۰). تحقیقات زیادی نشان داده‌اند کودکانی که از رفتار نوعدوستی برخوردارند سطح سلامت بالاتر و توانایی‌های تحصیلی بهتری دارند، ولی برخلاف آن کودکانی که رفتار ضد اجتماعی^{۱۶} دارند تنها، غمگین و عصبی بوده و مهارت‌های تحصیلی کمتری در

¹ Prosocial behavior

² Goodman

³ Radke-Yarrow

⁴ Zahn-Waxler

⁵ Empathy

⁶ Sympathy

⁷ Hay

⁸ Cook

⁹ Caspi

¹⁰ Roberts

¹¹ Shiner

¹² Self-regulation

¹³ Self-control

¹⁴ conscientiousness

¹⁵ Agreeableness

¹⁶ Antisocial behavior

مقایسه با دیگران دارند (برای نمونه، مک گینلی^۱ و کارلو^۲، ۲۰۰۷). هی، هادسون^۳ و لیانگ^۴ (۲۰۱۰) نشان دادند کودکانی که نشانه های اختلالات سلوکی و بیش فعالی بالینی دارند به طور معناداری رفتار نوع دوستی کمتری نسبت به کودکان دیگر نشان می دهند، به عبارت دیگر مشکل در رفتارهای تنظیمی و توجهی در رشد رفتار نوع دوستی کودک اختلال ایجاد می کند. به عقیده مک گینلی و کارلو (۲۰۰۷) افزایش دانش ما در مورد رشد رفتارهای نوع دوستی اهمیت زیادی در شناخت بهتر ما در مورد رشد اخلاق دارد. همچنین، نوع دوستی می تواند عامل محافظی برای خود^۵ باشد و تحقیق نشان داده است که نوع دوستی منجر به کاهش درگیر شدن در رفتارهای ضد اجتماعی و موفقیت بیشتر در تحصیل و پذیرش بیشتر توسط همسالان می شود. اگرچه در مورد عوامل فردی و اجتماعی موثر در رشد اخلاق و نوع دوستی مطالعات زیادی شده است ولی مطالعات کمی این عوامل را در هم ادغام کرده اند (مک گینلی و کارلو، ۲۰۰۷).

مطالعه دوقلوها نشان داده است که تفاوت های فردی در رفتار نوع دوستی کودکان، هم متأثر از عوامل سرشتی و هم عوامل محیطی است (برای نمونه، نافو^۶ و همکاران، ۲۰۰۸). خلق^۷ یکی از ویژگی های کودک است که نقش مهمی در پاسخ های رفتاری متفاوت کودک به رویدادهای زندگی ایفا می کند. خلق را می توانیم به عنوان تفاوت های فردی و سرشتی نسبتا پایدار در شدت و کیفیت واکنش هیجانی، حرکتی، توجهی و خودگردانی از طریق تعامل عناصر زیستی و محیطی نیز تعریف کنیم (روتبارت^۸ و بیتس^۹، ۲۰۰۶). در مورد نقش عوامل خلقی در مهارت های اجتماعی کودکان مطالعات زیادی زیادی صورت گرفته، مثلا تحقیق نشان می دهد که بین خلق پرخاشگر و رفتار نوع دوستی رابطه منفی پایداری در طول دوران کودکی وجود دارد (آیزنبرگ^{۱۰}، فیز^{۱۱} و اسپینارد^{۱۲}، ۲۰۰۶). همچنین، کوچانسکا^{۱۳}

¹ McGinley

² Carlo

³ Hudson

⁴ Liang

⁵ Self

⁶ Knafo

⁷ Temperament

⁸ Rothbart

⁹ Bates

¹⁰ Eisenberg

¹¹ Fabes

¹² Spinard

¹³ Kochanska

(۱۹۹۷) به تفاوت‌های فردی در توانایی بازداری^۱ دست یافت که در بازداری فعال رفتار ضد اجتماعی و اکتساب رفتار نועدوستی نقش دارد و نشان داد کودکانی که توانایی استفاده از توجه را برای تعدیل رفتار خود دارند بهتر می‌توانند پاسخ‌های نامناسب مثل داد زدن یا دزدی کردن را بازداری کنند، به عبارت دیگر بیشتر به اثرات رفتارشان بر دیگران توجه می‌کنند. ویژگی‌ها و ابعاد خلقی کودک در رابطه با توانایی‌های اجتماعی، مهارت‌های رفتاری اجتماعی و رفتار نועدوستی هستند (فونکهاسر^۲، ۲۰۱۱). علاوه بر این، ابعاد خلق در رابطه با اکتساب کلامی و مهارت‌های حرکتی، شروع تعاملات اجتماعی، مردم‌آمیزی و برون‌گرایی، انطباق روانی-اجتماعی، اکتساب تحصیلی، روابط والد-کودک و آسیب‌شناسی تحولی است (باس^۳ و پلامین^۴، ۱۹۸۴). کوراپسی^۵ (۲۰۰۸) نشان داد کودکانی که خلق بازداری یا کمروبی کمتری دارند قابلیت اجتماعی بیشتری از خود نشان می‌دهند. مطالعه‌های بین فرهنگی و طولی مختلف (برای مثال، سانسون^۶، ۲۰۰۰) رابطه مهار یا بازداری (مثل ترس و خجالت) را با فاصله‌گیری اجتماعی و فقر تعاملات بین فردی در کودکان تایید کرده‌اند. استوکر^۷ و دان^۸ (۱۹۹۰) نیز با استفاده از رگرسیون سلسله‌مراتبی، اثر خلق به خصوص مردم‌آمیزی و هیجان‌پذیری را در دوستی و روابط با همسالان در کودکان مورد تایید قرار دادند.

یکی از الگوهای مربوط به رشد اخلاق که تحقیقات مربوط به رفتار نועدوستی کودک به آن استناد می‌کند نظریه کوچانسکا در مورد رشد وجدان است. کوچانسکا (۱۹۹۳) یک چارچوب تعاملی برای مطالعه رشد اولیه وجدان یا درونی‌سازی هنجارهای اجتماعی رفتار ارائه می‌دهد. خلق در این نظریه یکی از جنبه‌های زیست‌شناختی کودکان است که هدایت‌کننده کودک به سمت این هنجارها فرض می‌شود. در نظریه رشد اخلاقی کوچانسکا (۱۹۹۳) آسیب‌پذیری خلقی کودک نقش مهمی در بازداری رشد رفتار نועدوستی کودک دارد. تحقیق نشان داده است افرادی که مستعد هیجان‌های منفی هستند کمتر وارد رفتارهای نועدوستی می‌شوند، مثلاً کودکانی که از سطوح بالای خلق ترس برخوردارند برای کمک به دیگران استرس بیشتری دارند و کمتر به عنوان افرادی نועدوست‌شناخته می‌شوند (سپینارد و ستیفت^۹،

¹ Inhibitory Control

² Funkhouser

³ Buss

⁴ Plomin

⁵ Corapci

⁶ Sanson

⁷ Stocker

⁸ Dunn

⁹ Stifter

۲۰۰۶). کوچانسکا و آکسان^۱ (۲۰۰۶) این فرضیه را مطرح می‌کنند که تفاوت‌های قابل توجه دربرونداهای دربرونداهای اخلاقی کودکان (همچون رفتار نועدوستی) منبعی دوگانه دارد: تفاوت‌های سرشتی-خلقی کودکان و کیفیت اجتماعی شدن اولیه در خانواده به خصوص در بافت روابط کودک با والدین. اثرات جداگانه و تعاملی این دو عامل نقش تعیین کننده در شکل‌گیری وجدان در کودکان دارد. تعارض، بخشی از طبیعت روابط بین فردی و زندگی خانواده‌ها است (بوهلر^۲ و تراتر^۳، ۱۹۹۰) و اغلب اغلب خانواده‌ها اختلاف نظر بین والدین را تجربه می‌کنند. با وجود این که تعارض والدین با دامنه وسیعی از مشکلات اجتماعی، رفتاری و سلامت کودکان رابطه دارد (ستراوس^۴، ۱۹۹۱) اما همه کودکانی که با تعارض‌های والدین مواجه می‌شوند دچار مشکلات سازگاری و تحولی نمی‌شوند (هاگز^۵، گراهام-برمان^۶ و و گروبر^۷، ۲۰۰۱). تحقیقات متعددی نشان داده‌اند که مواجهه کودکان با تعارض‌های خانواده منجر به دامنه وسیعی از ناسازگاری‌های جدی تا عدم مشکلات سازگاری می‌شود (به عنوان نمونه، گریچ^۸ و همکاران، ۲۰۰۰). این تنوع در واکنش‌های کودکان، محققان را به بررسی مکانیسم‌هایی که از آن طریق تعارض‌های خانواده بر کودکان اثر می‌گذارد ترغیب کرده است که تحت عنوان نسل دوم تحقیقات از آن یاد می‌شود (دیویس^۹ و همکاران، ۲۰۰۲). شواهد زیادی در مورد نقش خانواده و عوامل زمینه‌ای در رشد رشد توانایی‌های اجتماعی کودک وجود دارد (آیزنبرگ و همکاران، ۲۰۰۳). برای نمونه، فرزندپروری نقش مستقیم و واسطه‌ای در توانایی‌های

اجتماعی کودک دارد (انگلس^{۱۰}، دکوویک^{۱۱} و میوس^{۱۲}، ۲۰۰۲). باندورا^۱ (۱۹۷۷) در نظریه یادگیری اجتماعی خود معتقد است که کودکان در مواجهه با پرخاشگری بین والدین می‌توانند رفتارهای تعارض

¹ Aksan

² Buehler

³ Trotter

⁴ Straus

⁵ Hughes

⁶ Graham-Bermann

⁷ Gruber

⁸ Grych

⁹ Davies

¹⁰ Engels

¹¹ Dekovic

¹² Meeus

آمیز آن‌ها را الگو برداری کنند و در روابط و تعاملات بین فردی آینده خود رفتارهای پرخاشگرانه نشان دهند. کودکانی که در معرض تعارضی که به خوبی مدیریت شده قرار می‌گیرند، می‌توانند حل کارساز مسئله و راهکارهای مقابله با تعارض بین فردی را در روابط خود با دیگران بیاموزند ولی تعارض‌های حل نشده می‌توانند مانع از یادگیری مدیریت تعارض در بافتهای اجتماعی شوند (کامینگز^۲، کوروس^۳ و پاپ^۴، ۲۰۰۷). مک کوی^۵، کامینگز و دیویس (۲۰۰۹) از نقش مثبت تعارض‌های سازنده والدین و ایمنی هیجانی خانواده در رفتارهای نועدوستی کودکان حمایت کرده‌اند. وایت ساید- منسل^۶ و همکاران (۲۰۰۹) نیز نشان دادند که تعارض بین والدین پیش بینی کننده رشد اجتماعی کمتر و مشکلات رفتاری بیشتر در کودکان است. حتی تحقیق نشان داده است که مشاهده برنامه‌های تلویزیونی در افزایش رفتار نועدوستی کودکان نقش دارد (کالورت^۷ و کوتلر^۸، ۲۰۰۳). والدین الگوهای اصلی دنیای اخلاقی کودکان هستند و هنجارهای رفتاری و الگوهای اخلاقی مثل همدلی را برای کودک فراهم می‌کنند.

نقش تعارض والدین در مشکلات رفتاری کودکان بارها توسط محققان بررسی شده و در ایران نیز مورد مطالعه قرار گرفته است (به عنوان نمونه، قره باغی و وفایی، ۱۳۸۹) ولی رابطه آن با نועدوستی و مهارت‌های اجتماعی کودکان تا کنون کمتر مورد توجه بوده است. همان طور که در تاریخچه تحقیق در این زمینه اشاره شد، نقش خلق و رفتارهای فرزندپروری والدین در رفتارهای نועدوستی کودک توسط محققان تایید شده است ولی تعامل و نحوه تاثیر این عوامل بر مهارت‌های اجتماعی کودکان در قالب الگوهای ادغامی (به عنوان نمونه، آناستازی^۹، ۱۹۵۸؛ پوتنام^{۱۰}، سانسون^{۱۱} و روتبارت، ۲۰۰۲) کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. در یک بررسی دیویس و ویندل^{۱۲} (۲۰۰۱) به سنجش چندین بعد خلق در ابتدای نوجوانی و در بافت تعارض‌های والدین پرداختند که با رفتار بزهکاری در ارتباط بود. خلق کودک می‌تواند رابطه تعارض زناشویی با سازگاری کودک را تحت تاثیر قرار دهد به این دلیل که برخی کودکان به دلیل آسیب پذیری خلقی و سرشتی نسبت به عوامل استرس زای محیطی همچون تعارض والدین حساسیت

¹ Bandura
² Cummings
³ Kouros
⁴ Papp
⁵ McCoy
⁶ Whiteside- Mansell
⁷ Calvert
⁸ Kotler
⁹ Anastasi
¹⁰ Putnam
¹¹ Sanson
¹² Windle

بیشتری نشان می‌دهند (کومپاس^۱، ۱۹۸۷). زان-واکسلر و رادکه یارو (۱۹۹۰) معتقدند که نه تنها درک عواملی که رشد رفتارهای نوعدوستی را تحریک می‌کنند، بلکه شناختن محیط موثر در رشد رفتارهای نوعدوستی برای افرادی که از زمینه های شخصیتی و خلقی متفاوتی برخوردارند نیز لازم است و تحقیقات کمی این ساختار چند متغیری را در بررسی‌های خود در زمینه رفتارهای نوعدوستی کودکان دنبال کرده‌اند. به همین دلیل الگوی جدید یعنی اثرات غیر مستقیم خلق یا اثرات واسطه ای و تعدیل کننده یا تعامل خلق با محیط، جانشین تحقیقات قبلی شده است (سانسون، همفیل^۲ و سمارت^۳، ۲۰۰۴). در همین راستا، روتبارت و بیتس (۲۰۰۶) *الگوی رابطه تعاملی خلق و محیط* (مثل خلق ترس در کودک و تنبیه خشن والدین) را ارائه کرده‌اند. تحقیقات گذشته تلاشهای بسیاری برای درک پایه های فردی و اجتماعی رفتارهای نوعدوستی کودکان و نوجوانان کرده‌اند ولی این عوامل اغلب بدون در نظر گرفتن نحوه تعامل آن‌ها با هم بررسی شده‌اند (مک گینلی و کارلو، ۲۰۰۷) و بر همین اساس، هدف تحقیق حاضر بررسی نقش مستقل و همزمان (تعاملی و واسطه ای) دو متغیر تعارض زناشویی و خلق کودک در پیش بینی رفتارهای نوعدوستی کودک است.

روش

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر تهران (۹۳۰۷۸ نفر) در سال ۱۳۸۷ بودند که از میان آن‌ها ۴۱۳ دانش آموز ۱۰ تا ۱۲ ساله با میانگین سنی ۱۰.۸۱ سال به روش تصادفی چند مرحله ای انتخاب شدند (۲۲۰ دختر و ۱۹۳ پسر). سه منطقه ۴، ۸ و ۱۷ آموزش و پرورش از سه منطقه جغرافیایی تهران به صورت تصادفی در نظر گرفته شدند و از هر منطقه چند مدرسه به صورت تصادفی و از فهرست مدارس آموزش و پرورش تهران انتخاب شدند. در مرحله بعد از میان دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی این مدارس تعدادی دانش آموز به صورت تصادفی ساده و از بین فهرست اسامی دانش آموزان کلاس‌ها انتخاب شدند. دو پرسشنامه تعارض زناشویی و خلق کودک توسط دو کارشناس زبان انگلیسی و روانشناسی با استفاده از ترجمه معکوس برای اولین بار به زبان فارسی ترجمه شدند. ابتدا یک بررسی مقدماتی بر روی ۶۰ دانش آموز انجام گرفت و اشکالات پرسشنامه‌ها برطرف شد. پس از دریافت مجوز از آموزش و پرورش کل و مدیران و مادران دانش آموزان، پرسشنامه های تعارض والدین، خلق کودک و رفتار نوعدوستی کودک برای مادران فرستاده شد. معلمان نیز رفتار نوعدوستی کودکان را در مدرسه مورد ارزیابی قرار دادند. برای تحلیل داده‌ها از روش رگرسیون استاندارد و سلسله مراتبی استفاده شد. رگرسیون سلسله مراتبی برای بررسی نقش چندین متغیر پیش بین در تغییرات متغیر ملاک به کار

¹ Compass

² Hemphill

³ Smart

می‌رود و روابط واسطه‌ای و تعدیل‌کنندگی بین متغیرها را نشان می‌دهد. در این مطالعه از روش بارون^۱ و کنی^۲ (۱۹۸۶) استفاده شد که براساس آن متغیرهای پیش‌بین و واسطه‌ای در دو مرحله وارد معادلات رگرسیون می‌شوند. پس از تایید رابطه بین متغیر پیش

بین با ملاک، رابطه متغیر پیش‌بین با متغیر واسطه‌ای مفروض و متغیر واسطه‌ای مفروض با متغیر ملاک می‌توان برای بررسی اثر واسطه‌ای ابتدا متغیر پیش‌بین و در مرحله دوم متغیر واسطه‌ای را وارد معادله رگرسیون کرد. برای بررسی اثر تعاملی یا تعدیل‌کنندگی در ابتدا هر دو متغیر پیش‌بین و تعدیل‌کننده و در مرحله دوم حاصلضرب آن‌ها وارد معادله رگرسیون می‌شود. روش بارون و کنی (۱۹۸۶) در بررسی اثر واسطه‌ای و تعدیل‌کنندگی متغیرها توسط طیف وسیعی از محققان مورد استفاده قرار گرفته است، برای مثال، وایتساید-مانسل و همکاران (۲۰۰۹) در بررسی اثر تعارض بین والدین بر رفتار اجتماعی کودک از دستورالعمل بارون و کنی (۱۹۸۶) استفاده کرده‌اند. از نرم افزار SPSS14 برای تحلیل داده‌ها استفاده شد.

ابزار: پرسشنامه خصومت آشکار اولری-پورتر^۳: این پرسشنامه که مولفان آن پورتر و اولری (۱۹۸۰) هستند ادراک هریک از والدین از تکرار وقوع تعاملات مثبت و منفی که زوجین در حضور کودک نسبت به هم ابراز می‌کنند را می‌سنجد. سوالات آن شامل تفاوت‌های انضباطی، شکایت از هم، سوء استفاده کلامی یا جسمی و ابراز عاطفه زوجین به هم در حضور کودک می‌باشد. این ابزار متشکل از ۱۰ سوال است با ۵ درجه پاسخ و نمره گذاری از هرگز (۰) تا تقریباً همیشه (۴) که برای سنجش میزان مشاجره آشکار والدین در حضور فرزندشان طراحی شده است و دامنه نظری نمرات آن از ۰ تا ۴۰ نمره می‌باشد. ۹ سوال اول به طور مثبت و سوال دهم یا ابراز عاطفه زوجین در حضور کودک نسبت به هم به طور معکوس نمره گذاری می‌شود و نمره بالاتر نشانه تعارض کمتر است ولی برای تسهیل نتایج رگرسیون در این تحقیق از نمره معکوس تعارض استفاده شد یعنی نمره بیشتر بیانگر تعارض زناشویی بیشتر است. ویژگی‌های روانسنجی و کوتاه بودن این مقیاس آن را ابزار مهمی در خدمت پژوهشگران قرار داده است. این مقیاس در تحقیق گریچ و همکاران (۱۹۹۲) از نمره آلفای ۰/۸۶ برخوردار بوده و اعتبار آزمون - بازآزمون آن بعد از دو هفته $r = 0/96$ بوده است. در تحقیق حاضر نمره آلفای کرونباخ $0/76$ برای این مقیاس به دست آمد.

¹ Baron

² Kenny

³ overt hostility/ O'Leary- Porter Scale (OPS)

پرسشنامه بازنگری شده خلق اوایل نوجوانی^۱: این پرسشنامه توسط پوتنام، الیس و روتبارت (۲۰۰۱) ساخته شد. در این مطالعه از فرم والدین استفاده شد که ۶۲ سوال دارد و ۱۱ بعد خلقی را می‌سنجد. فرم تجدید نظر شده آن ۹ مقیاس دارد که برای سنین ۱۰ تا ۱۶ سال به کار می‌رود. الیس و روتبارت (۲۰۰۱) اعتبار و روایی بالایی برای زیرمقیاس‌های آن گزارش کرده‌اند به طوری که ضرایب آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های آن ۰.۶۴ تا ۰.۸۱ بوده و بین ارزیابی‌های مادران و کودکان همبستگی‌های معناداری در سطح $p < 0.05$ و $p < 0.01$ وجود داشته است. در تحقیق حاضر از ۴ مقیاس کلی آن استفاده شد که عبارت بودند از: مقیاس توانایی کنترل^۲ ($\alpha = 0.82$) که شامل مجموع زیرمقیاس‌های توجه، توانایی مهار رفتار^۳ و توانایی بازداری^۴ است، مقیاس جامعه‌پذیری منفی^۵ یا کمرویی و کناره‌گیری ($\alpha = 0.62$) شامل زیرمقیاس‌های خلق افسرده و پرخاشگری، مقیاس خلق منفی ($\alpha = 0.66$) شامل زیرمقیاس‌های ترس، ناکامی، خجالت، پرخاشگری و خلق افسرده و مقیاس خلق مثبت ($\alpha = 0.65$) شامل زیرمقیاس‌های توجه، پیوندجویی^۶، توانایی لذت بردن^۷، توانایی بازداری و توانایی کنترل رفتار.

پرسشنامه توانایی‌ها و مشکلات^۸: این پرسشنامه برای سنجش و غربالگری اختلالات روان‌پزشکی کودکان در جامعه کودکان ۴ تا ۱۶ ساله انگلیسی توسط گودمن و همکاران (۱۹۹۷) طراحی شده که توسط معلمان، والدین و خود کودکان قابل استفاده می‌باشد. از مزیت‌های آن این است که شکلی فشرده و کوتاه دارد، فرم واحدی برای معلمان و مادران و کودکان دارد، هم بر مشکلات تمرکز دارد و هم بر توانایی‌ها. این مقیاس به بررسی و تفکیک کودکان در معرض خطر بالاتر برای مشکلات سلامت روانی کمک می‌کند و قبلاً هم در ایران به طور مقدماتی روایی و اعتبار یابی شده (وفایی و روشن، ۱۳۸۵) بطوریکه نمره آلفای کرونباخ ۰/۸۴ برای مشکلات و ۰/۶۶ برای توانایی‌ها گزارش شده است و ساختار عاملی آن مورد بررسی قرار گرفته است (قره باغی و وفایی، ۱۳۸۸). این پرسشنامه شامل ۵ مقیاس مشکلات سلوکی، نشانه‌های عاطفی، بیش‌فعالی، کمبود توجه، مشکلات با همسالان و رفتار نوع دوستی بوده و هر مقیاس ۵ سوال دارد که بر اساس سه حالت درست نیست (+)، کمی درست است (۱) و حتماً درست است (۲) پاسخ داده و نمره گذاری می‌شوند. زیر مقیاس توانایی‌ها یا رفتار نوع دوستی، سوالاتی را در مورد مهربانی و توجه به

¹ Early Adolescent Temperament Questionnaire- Revised

² Effortful control

³ Activation control

⁴ Inhibitory control

⁵ Negative sociability

⁶ Affiliation

⁷ High intensity pleasure

⁸ Strengths and Difficulties Questionnaire (SDQ)

دیگران، سهیم شدن با دیگران، کمک کردن به حل تکالیف و کمک کردن به کسانی که آسیب دیده‌اند یا بیمار هستند را مطرح می‌کند. این زیر مقیاس ۵ آیتم در مورد رفتار کودک در شش ماه گذشته دارد که عبارتند از: ۱- احساسات دیگران را رعایت می‌کند. ۲- چیزهایش را با دیگران قسمت می‌کند مثل خوراکی، اسباب بازی، مداد و غیره. ۳- اگر کسی صدمه دیده، ناراحت و یا مریض باشد به او کمک می‌کند. ۴- با بچه‌های کوچک‌تر مهربان است. ۵- اغلب داوطلب می‌شود که به دیگران (مثل والدین، معلم‌ها یا بچه‌های دیگر) کمک کند. این زیرمقیاس در تحقیقات زیادی مورد استفاده قرار گرفته است (برای مثال، هی و همکاران، ۲۰۱۰؛ نافو و پلامین، ۲۰۰۶). هی و همکاران (۲۰۱۰) آلفای کرونباخ ۰.۸۱ و ۰.۷۳ را برای فرم معلم و والدین آن وهمبستگی مناسب ($p < 0.01$ و $r = 0.25$) برای ارزیابی مادران و معلمان گزارش کرده‌اند. در بررسی حاضر از داده‌های مادران با آلفای کرونباخ ۰.۷۱ استفاده شد و همبستگی ارزیابی مادران و معلمان ($p < 0.01$ و $r = 0.24$) معنادار بود.

نتایج

جدول ۱ ویژگیهای توصیفی و ماتریس همبستگی کل متغیرها و جدول ۲ نتایج تحلیل رگرسیون استاندارد بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهند:

جدول ۱. ویژگیهای توصیفی و ماتریس همبستگی کل متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین ن	انحراف استاندارد	۱	۲	۳	۴	۵	۶
تعارض والدین	۱۲/۴۰	۶/۲۰	۱	-	-	-	-	-
خلق مثبت کودک	۱۱۲/۸۱	۱۴/۲۰	-۰/۲۸**	۱	-	-	-	-
خلق منفی کودک	۸۱/۴۶	۱۳/۷۹	۰/۳۶**	-۰/۴۴**	۱	-	-	-
توانایی کنترل	۵۸/۵۳	۱۱/۱۳	-۰/۳۲**	۰/۸۵**	-۰/۵۰**	۱	-	-
مردم آمیزی منفی	۳۰/۸۰	۷/۰۵	۰/۳۵**	-۰/۴۰**	۰/۸۳**	-۰/۵۰**	۱	-
رفتار نوعدوستی کودک	۸/۱۶	۱/۷۴	-۰/۲۰**	۰/۴۲**	-۰/۱۸**	۰/۳۰**	-۰/۱۷**	۱

** $p < 0.01$

جدول ۲. نتایج تحلیل‌های رگرسیون استاندارد بین متغیرهای پیش بین و واسطه ای با ملاک

متغیر پیش بین	F	R ²	β	B
تعارض والدین	۱۶/۰۵***	۰/۰۴	-۰/۲۰***	-۰/۰۵
خلق مثبت کودک	۸۸/۰۴***	۰/۱۷	۰/۴۲***	۰/۰۵
خلق منفی کودک	۱۴/۲۶***	۰/۰۳	-۰/۱۸***	-۰/۰۲
توانایی کنترل مردم	۳۹/۹۳***	۰/۰۸	۰/۲۹***	۰/۰۴
آمیزی منفی	۱۳/۳۲***	۰/۰۳	-۰/۱۷***	-۰/۰۴

متغیر ملاک : رفتار نوعدوستی کودک $p < 0.001$ *** همانطور که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهند، خلق مثبت و توانایی کنترل پیش بینی کننده مستقیم رفتار نوعدوستی و خلق منفی، مردم آمیزی منفی و تعارض والدین پیش بینی کننده معکوس رفتار نوعدوستی کودک هستند. علاوه بر این، نتایج تحلیل رگرسیون از رابطه متغیر پیش بین تعارض والدین با متغیرهای واسطه ای مفروض خلق مثبت ($R^2 = 0.08$ و $p < 0.001$ و $\beta = -0.28$)، خلق منفی ($R^2 = 0.13$ و $p < 0.001$ و $\beta = 0.36$)، مردم آمیزی منفی ($R^2 = 0.12$ و $p < 0.001$ و $\beta = 0.35$) و توانایی کنترل کودک ($R^2 = 0.10$ و $p < 0.001$ و $\beta = -0.32$) حمایت می‌کنند. بنابراین، با توجه به تایید معناداری روابط بین متغیر پیش بین (تعارض والدین)، متغیر واسطه ای مفروض (خلق کودک) و متغیر ملاک (رفتار نوعدوستی کودک) می‌توان وارد تحلیل‌های رگرسیون سلسله مراتبی برای سنجش معناداری روابط واسطه ای و تعدیل کننده شد. جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه به صورت سلسله مراتبی برای بررسی روابط واسطه ای بین متغیرها را نشان می‌دهد:

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی مربوط به نقش واسطه ای خلق مثبت در رابطه تعارض والدین با رفتار نועدوستی کودک

β	B	t	ΔR^2	R^2	ΔF	F	
-.۰/۱۹***	-.۰/۰۵	-۴/۰۷***	۰/۰۳	۰/۰۳	۱۶/۰۵***	۱۶/۰۵***	تعارض والدین
-.۰/۰۸	-.۰/۰۲	-۱/۷۱					تعارض والدین
۰/۳۹***	۰/۰۴	۸/۵۱***	۰/۱۴	۰/۱۸	۷۲/۵۴***	۴۵/۶۹***	خلق مثبت کودک

گام اول: تعارض والدین، گام دوم: خلق مثبت کودک؛ متغیر ملاک: رفتار نועدوستی کودک $p < 0.001$ ***

همانطور که نتایج جدول ۳ نشان می‌دهند، خلق مثبت کودک می‌تواند واسطه رابطه بین تعارض والدین و رفتار نועدوستی شود، یعنی با وارد شدن خلق مثبت به معادله رگرسیون در گام دوم، معناداری رابطه تعارض و نועدوستی از بین می‌رود. بنابراین خلق مثبت کودک واسطه رابطه تعارض والدین با رفتار نועدوستی کودک است، یعنی رفتار نועدوستی در کودکانی که از خلق مثبت بالاتری برخوردارند کمتر توسط تعارض‌های والدین آسیب می‌بیند. جدول ۴ نتایج تحلیل‌های رگرسیون چندگانه به صورت سلسله مراتبی برای بررسی روابط تعاملی یا تعدیل کننده را نشان می‌دهد:

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی مربوط به نقش تعاملی خلق منفی، مردم آمیزی منفی و توانایی کنترل کودک در رابطه تعارض والدین با رفتار نועدوستی کودک

سطح معناداری	t	β	
۰/۰۰۵	-۲/۸۴	-۰/۷۹	۱- تعارض والدین
۰/۰۰۱	-۳/۳۱	-۰/۳۳	خلق منفی کودک
۰/۰۱۹	-۲/۳۵	-۰/۷۵	۲- تعارض × خلق منفی
۰/۰۰۱	-۳/۷۲	-۰/۷۸	۱- تعارض والدین
۰/۰۰۱	-۳/۹۰	-۰/۴۰	مردم آمیزی منفی کودک
۰/۰۰۲	-۳/۱۱	-۰/۷۹	۲- تعارض × مردم آمیزی منفی
۰/۰۲۷	-۱/۶۶	-۰/۳۷	۱- تعارض والدین
۰/۰۰۱	۴/۵۹	۰/۴۴	توانایی کنترل کودک
۰/۰۲۹	۲/۱۹	۰/۴۷	۲- تعارض × توانایی کنترل

متغیر ملاک: رفتار نوعدوستی کودک

همانطور که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهند، خلق منفی، مردم آمیزی منفی و توانایی کنترل کودک تعدیل کننده رابطه تعارض والدین با رفتار نوعدوستی کودک هستند. تقسیم نمونه به دو گروه با خلق منفی بالا و پایین و مقایسه آن‌ها از لحاظ رفتار نوعدوستی و تعارض والدین یعنی متغیرهای پیش بین و ملاک براساس آزمون t مستقل که در جدول ۵ گزارش شده است نیز نشان می‌دهد در کودکانی که خلق منفی کمتری دارند رفتار نوعدوستی بیشتر و تعارض والدینی کمتری دیده می‌شود و بالعکس. بنابراین نتایج جداول رگرسیون سلسله مراتبی تایید می‌کنند که خلق منفی و تعارض والدینی عوامل خطر سرشتی و محیطی برای رفتارهای نوعدوستی کودکان هستند.

جدول ۵. نتایج آزمون t مستقل برای دو گروه با خلق منفی بالا و پایین

معناداری	t	انحراف معیار	میانگین	متغیرها
۰/۰۰۱	-۳/۲۸	۱/۸۳	۷/۸۹	رفتار نوعدوستی
۰/۰۰۱	۴/۳۹	۶/۲۸	۱۳/۴۵	تعارض والدین
۰/۰۰۱	-۳/۳۸	۱/۴۴	۸/۵۳	رفتار نوعدوستی
۰/۰۰۱	۴/۳۲	۵/۵۷	۱۰/۴۰	تعارض والدین

بحث و نتیجه گیری

هدف این مطالعه بررسی نقش دو عامل سرشتی و محیطی خلق کودک و تعارض والدین در پیش بینی رفتار نوعدوستی کودک بر اساس سه نظریه یادگیری اجتماعی باندورا (۱۹۷۷)، نظریه رشد اخلاقی کوچانسکا (۱۹۹۳) و الگوی رابطه تعاملی خلق و محیط روتبارت و بیتس (۲۰۰۶) است. نتایج تحلیل رگرسیون استاندارد نشان دادند که تعارض والدین پیش بینی کننده منفی رفتارهای نوعدوستی کودکان است. این یافته با نظریه یادگیری اجتماعی باندورا (۱۹۷۷) مطابقت دارد که در این نظریه بر نقش مشاهده و الگوبرداری کودکان از رفتارهای تعارض آمیز والدین و استفاده از آن در روابط بین فردی تاکید می‌کند. همچنین، این یافته با نتایج تحقیقات کوی و همکاران (۲۰۰۹) و وایت-ساید منسل و همکاران (۲۰۰۹) که از نقش تعارضات والدین در رفتار نوعدوستی، رشد اجتماعی و مشکلات رفتاری کودکان حمایت کرده‌اند، هماهنگی دارد.

تحلیل رگرسیون استاندارد در این بررسی همچنین تایید کننده نقش پیش بینی کننده مستقیم خلق مثبت و توانایی کنترل و رابطه معکوس خلق منفی و مردم آمیزی منفی کودک با رفتار نوعدوستی است.

این یافته‌ها با نظریه رشد اخلاقی کوچانسکا (۱۹۹۳) که بر نقش آسیب‌پذیری خلقی به عنوان مانعی برای رشد رفتارهای نועدوستی کودک تأکید می‌کند مطابق است. محققان دیگری نیز از این نظریه حمایت کرده‌اند، برای مثال بررسی‌ها نشان داده‌اند که ابعاد مختلف خلق منفی مثل خجالت، خشم، ناکامی و هیجان‌پذیری منفی مانع از رشد رفتارهای نועدوستی کودکان و نوجوانان می‌شوند (برای مثال، کیانگ^۱ و همکاران، ۲۰۰۴).

علاوه بر تایید روابط مستقل بین تعارض والدین و خلق کودک به عنوان دو عامل محیطی و سرشتی در رفتارهای نועدوستی کودک، نقش همزمان این دو متغیر نیز مورد تأیید قرار گرفت. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیری به صورت سلسله‌مراتبی نشان داد که خلق مثبت کودک واسطه رابطه تعارض والدین با رفتار نועدوستی است، به عبارت دیگر خلق مثبت (شامل توجه، پیوندجویی، لذت بردن، توانایی بازداری و کنترل رفتار) می‌تواند نقش محافظتی برای رفتار نועدوستی در مواجهه با تعارضهای والدین داشته باشد و رفتار نועدوستی در کودکانی که از خلق مثبت بیشتری برخوردارند کمتر توسط تعارضهای والدین آسیب می‌بیند. همچنین، خلق منفی (شامل ترس، ناکامی، خجالت، پرخاشگری و خلق افسرده)، مردم‌آمیزی منفی یا کمرویی و کناره‌گیری (شامل خلق افسرده و پرخاشگری) و توانایی کنترل (شامل توجه، توانایی مهار رفتار و بازداری) تعدیل‌کننده اثر تعارض والدین بر رفتار نועدوستی کودک هستند این یافته با نظر کومپاس (۱۹۸۷) در مورد آسیب‌پذیری خلقی و سرشتی کودکان نسبت به تعارضات والدین و با الگوی رابطه تعاملی خلق و محیط روتبارت و بیتس (۲۰۰۶) مطابقت دارد. روتبارت و بیتس (۲۰۰۶) معتقدند که نقش واسطه‌ای خلق کمتر مورد بررسی قرار گرفته و این مطالعه هر دو رابطه واسطه‌ای و تعاملی خلق را مورد حمایت قرار می‌دهد. این یافته با تأکید مک‌گینلی و کارلو (۲۰۰۷) بر نقش تعاملی عوامل محیطی و سرشتی، تأکید زان واکسلر و رادکه یارو (۱۹۹۰) در مورد بررسی همزمان محیط و زمینه‌های شخصیتی و خلقی و تأکید پوتنام و همکاران (۲۰۰۲) که معتقدند تعامل عوامل زیستی و محیطی بر مهارتهای اجتماعی کودکان در قالب الگوهای ادغامی باید بیشتر مورد مطالعه قرار بگیرد هماهنگ است. علاوه بر این، این یافته با نتیجه تحقیق دیویس و ویندل (۲۰۰۲) در مورد نقش ابعاد خلقی کودکان و نوجوانان در پیش‌بینی رفتارهای بزهکاری آنها در بافت تعارض والدین هماهنگی دارد. رگرسیون‌های سلسله‌مراتبی انجام شده در این پژوهش نشان دادند که خلق مثبت کودک می‌تواند یک عامل محافظ و خلق منفی کودک یک عامل خطر برای رفتارهای نועدوستی کودک در بافت تعارضهای خانواده باشد که پیش از این توسط راتر^۲ (۱۹۹۷) مورد تأکید قرار گرفته بود. راتر (۱۹۹۷)

¹ Kiang

² Rutter

معتقد بود که عوامل محافظ می‌توانند مانع وقوع یک اختلال یا عمل عوامل خطر شوند، ولی عوامل خطر می‌توانند وقوع اختلال یا سیر تحول آن را تسریع کنند. این عوامل محافظ و خطر درونی (مثل خلق) و محیطی (مثل تعارض‌های آشکار خانوادگی) می‌توانند همزمان از چندین منبع برسازگاری کودکان اثر بگذارند.

از جمله مزیت‌های این تحقیق به دست آوردن داده‌های مربوط به رفتار نوع دوستی کودکان از دو منبع مادران و معلمان و تایید هر دو رابطه واسطه‌ای و تعدیل کننده بین متغیرهای پژوهش است. علی‌رغم یافته‌های به دست آمده، تحقیق حاضر برخی محدودیت‌ها را نیز در بردارد. به عنوان نمونه، این بررسی بر روی کودکان ۱۰ تا ۱۲ ساله طبقه متوسط اجتماعی-اقتصادی انجام شده و قابل تعمیم به سایر سنین و طبقات اجتماعی نمی‌باشد. همچنین احتمال وجود سایر عوامل واسطه‌ای و تعدیل کننده مثل سن و جنس کودک و یا وضعیت هیجانی خانواده و رابطه والدین با کودک نیز وجود دارد که بررسی آن‌ها بر روی کودکان سنین مختلف با استفاده از روش‌های آماری چند متغیری و الگوی معادله ساختاری^۱ در پژوهش‌های بعدی توصیه می‌شود.

این تحقیق نشان داد که روابط والدین در تعامل با ویژگی‌های سرشتی کودکان می‌تواند نقش مهمی در شکل‌گیری رفتار نوع دوستی و مهارت‌های اجتماعی مثبت کودکان داشته باشد. بررسی نقش عوامل متعدد فردی و خانوادگی که در شکل‌گیری رفتارهای نوع دوستی و مهارت‌های اجتماعی کودکان نقش دارند می‌تواند به محققان و مداخله‌گران حوزه خانواده و کارگزاران تعلیم و تربیت در زمینه رشد رفتارهای جامعه پسند کودکان و ارتقای روابط خانواده کمک کند.

تقدیر و تشکر

در پایان، از همکاری صمیمانه همه مدیران، معلمان، مادران و دانش‌آموزان عزیز در این مطالعه سپاسگزاری می‌کنم.

منابع

- قره باغی، فاطمه و وفایی، ماریا. (۱۳۸۸). *بررسی ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه توانایی‌ها و مشکلات در نمونه کودکان ایرانی*. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۵ (۳)، ۲۴۱-۲۳۱.

¹ Structural Equation Modeling (SEM)

وفایی، ماریا و روشن، مریم (۱۳۸۵). بررسی رابطه عوامل پیش بینی کننده خطر و محافظ خانواده با توانمندی‌ها و اختلال‌های عاطفی- رفتاری نوجوانان. *روانشناسی معاصر*، ۱(۲)، ۴-۱۷.

Anastasi, A. (1958). Heredity, environment, and the question "How"? *Psychological Review*, 65, 197-208.

Bandura, A. (1977). *Social learning theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.

Baron, R. M., & Kenny, D. A. (1986). The moderator–mediator variable distinction in social psychological research:

Conceptual, strategic, and statistical considerations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51, 1173–1182.

Buehler, C., & Trotter, B. B. (1990). Nonresidential and residential parent's perceptions of the former spouse relationship and children's social competence following marital separation: Theory and programmed intervention. *Family Relations*, 39, 395–404.

Buss, A. & Plomin, R. (1984). *Temperament: Early developing personality traits*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.

Calvert, S. L., & Kotler, J. A. (2003). The Children's Television Act: Can media policy make a difference? *Journal of Applied Developmental Psychology*, 24, 375–380.

Caspi, A., Roberts, B. W., & Shiner, R. L. (2005). Personality development: Stability and change. *Annual Review of Psychology*, 56, 453–484.

Compass, B. E. (1987). Coping with stress during childhood and adolescence. *Psychological Bulletin*, 101, 393-403.

- Corapci, F. (2008). The role of child temperament on Head Start preschoolers' social competence in the context of cumulative risk. *Journal of Applied Developmental Psychology, 29*(1), 1-16.
- Cummings, E. M., Kouros, C. D., & Papp, L. M. (2007). Marital aggression and children's responses to everyday interparental conflict. *European Psychologist, 12*(1), 17-28.
- Davies, P. T., Harold, G. T., Goeke-Morey, M. C., & Cummings, E. M. (2002). Child emotional security and interparental conflict. *Monographs of the Society for Research in Child Development, 67*, 1-129.
- Davies, P. T., & Windle, M. (2001). Interparental discord and adolescent adjustment trajectories: The potentiating and protective role of interpersonal attributes. *Child Development, 72*, 1163-1178.
- Eisenberg, N., Fabes, R. A., & Spinrad, T. L. (2006). Prosocial development. In W. Damon, & R. M. Lerner (Eds.),
- Social, emotional, and personality development (N. Eisenberg, vol. ed.) *Handbook of child psychology* (6th ed., Vol. 3, pp. 646-718). New York: Wiley.
- Eisenberg, N., Fabes, R. A., Bernzweig, J., Karbon, M., Poulon, R., & Hanish, L. (1993). The relations of emotionality and regulation to preschoolers' social skills and sociometric status. *Child Development, 64*, 1418-1438.
- Eisenberg, N., Valiente, C., Morris, A. S., Fabes, R. A., Cumberland, A., Reiser, M., et al. (2003). Longitudinal relations among parental emotional expressivity, children's regulation, and quality of socioeconomical functioning. *Developmental Psychology, 39*, 3-19.

- Ellis, B., J., & Rothbart, M. (2001). Revision of the Early Adolescent Temperament Questionnaire. Poster presented at the 2001 Biennial Meeting of the Society for Research in Child Development, in Minneapolis Minnesota.
- Engels, R., Dekovic, M., & Meeus, W. (2002). Parenting practices, social skills and peer relationships in adolescence. *Social Behavior and Personality, 30*, 3-18.
- Funkhouser, S. (2011). Theory of mind, temperament and prosocial behavior in preschoolers. Union College Psychology Thesis.
- Goodman, R. (1997). The strengths and difficulties questionnaire: A research note. *Journal of child Psychology and Psychiatry, 38(5)*, 581- 586.
- Grych, J. H., Jouriles, E. N., Swank, P. R., McDonald, R., & Norwood, W. D. (2000). Patterns of adjustment among children of battered women. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 68*, 84-94.
- Grych, J. H., Seid, M., & Fincham, F. D. (1992). Assessing marital conflict from the child's perspective: The children's Perception of Interparental Conflict Scale. *Child Development, 63*, 558-572.
- Hay, D. F., Hudson, K., & Liang, W. (2010). Links between preschool children's prosocial skills and aggressive conduct problems: The contribution of ADHD symptoms. *Early Childhood Research Quarterly, 25*, 493-501.
- Hay, D. F., & Cook, K. V. (2007). The transformation of prosocial behavior from infancy to childhood. In C. A. Brownell, & C. B. Kopp (Eds.), *Socioemotional development in the toddler years: Transitions and transformations* (pp. 100-131). New York: Guilford.

Hughes, H. M., Graham-Bermann, S. A., & Gruber, G. (2001). Resilience in children exposed to domestic violence.

In S. A. Graham-Bermann, & J. L. Edleson (Eds.), *Domestic violence in the lives of children: The future of research, intervention, and social policy* (pp. 67–90). Washington, DC: American Psychological Association.

Kiang, L., Moreno, A. J., & Robinson, J. L. (2004). Maternal preconceptions about parenting predict child temperament, maternal sensitivity, and children's empathy. *Developmental Psychology, 40*, 1081-1092.

Knafo, A., & Plomin, R. (2006). Prosocial behavior from early to middle childhood: Genetic and environmental influences on stability and change. *Developmental Psychology, 42*, 771–786.

Knafo, A., Zahn-Waxler, C., van Hulle, C., Robinson, J. L., & Rhee, S. H. (2008). The developmental origins of a disposition toward empathy: Genetic and environmental contributions. *Emotion, 8*, 737–752.

Kochanska, G. (1997). Multiple pathways to conscience for children with different temperaments: From toddler to age 5. *Developmental Psychology, 3*, 228-240.

Kochanska, G. (1993). Toward a synthesis of parental socialization and child temperament in early development of conscience. *Child Development, 64*, 325-347.

Kochanska, G., & Aksan, N. (2006). Children's conscience and self-regulation. *Journal of personality, 74(6)*, 1587-1618.

McCoy, K., Cummings E. M., & Davies, P. T. (2009). Constructive and destructive marital conflict, emotional security, and children's

- prosocial behavior. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 50, 270-279.
- McGinley, M., & Carlo, G. (2007). Two sides of the same coin? The relations between prosocial and physically aggressive behaviors. *Journal of Youth and Adolescence*, 36, 337-350.
- Porter, B., & O'Leary, K. D. (1980). Marital discord and childhood behavior problems. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 8, 287-295.
- Putnam, S. P., Sanson, A., & Rothbart, M. K. (2002). Child temperament and parenting. In M. H. Bornstein (Ed.), *Handbook of parenting: Vol. 1. Children and parenting* (2nd ed., pp. 255-277). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Radke-Yarrow, M., & Zahn-Waxler, C. (1986). The role of familial factors in the development of prosocial behavior: Research findings and questions. In D. Olweus, J. Block, & M. Radke-Yarrow (Eds.), *Development of antisocial and prosocial behaviour: Research, theories, and issues* (pp. 207-233). New York: Academic Press.
- Rothbart, M. K., & Bates, J. E. (2006). Temperament. In W. Damon & R. M. Lerner (Series Ed.) & N. Eisenberg (Vol. Ed.), *Handbook of Child Psychology: Vol. 3. Social, Emotional, and Personality Development* (6th ed., pp.99-166). New York: Wiley.
- Rutter, M. (1997). Protect factors: Independent or interactive? Letter to the editor. *Journal of American Academy of Child Adolescence Psychiatry*, 30, 151-155.

- Sanson, A., Hemphill, S., & Smart, D. (2002). Temperament and social development. In P. K. Smith & C. H. Hart (Eds), *Handbook of childhood social development* (pp. 97–116). London, UK: Blackwell.
- Sanson, A. (2000) Temperament and social development. Keynote address to International Society for the Study of Behavioral Development, Beijing, July.
- Shiner, R. L. (2000). Linking childhood personality with adaptation: Evidence for continuity and change across time into late adolescence. *Journal of Personality and Social Psychology*, *78*, 310–325.
- Spinrad, T. L. & Stifter, C. A. (2006). Toddlers' empathy-related responding to distress: Predictions from negative emotionality and maternal behavior in infancy. *Infancy*, *10*, 97-121.
- Straus, M. A. (1991). Physical violence in American families: Incidence rates, causes, and trends. In D. D. Knudsen, & J. L. Miller (Eds.), *Abused and battered: Social and legal responses to family violence* (pp. 17–34). New York: Aldine De Gruyter.
- Whiteside Mansell, L., Bradley, R. H., McKelvey, L., & Fussell, J. J. (2009). Parenting: Linking impacts of interpartner conflict to preschool children's social behavior. *Journal of Pediatric Nursing*, *24*(5), 389-400.
- Zahn-Waxler, C., & Radke-Yarrow, M. (1990). The origins of empathic concern. *Motivation and Emotion*, *14*, 107-130.